



## آموزه‌های اسلامی؛ دریچه‌ای بسوی پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم

جواد صالحی\*  
الهام صادقی‌راد\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۰/۱۰  
تاریخ تأیید مقاله: ۹۰/۱۲/۱۵

### چکیده:

دین اسلام به پیشگیری پیش از درمان و اصلاح توجه دارد. به همین خاطر قبل از هر چیز به عوامل به وجود آورنده و زمینه‌های گناه و جرم توجه کرده و برای مقابله با آنها با واقع‌اندیشی تمام چاره‌جویی کرده است. به این ترتیب مبحث پیشگیری از جرم بخش قابل توجهی از تعالیم اسلامی را به خود اختصاص داده است. به نظر می‌رسد این مسئله مهم‌ترین و بلندترین گام اسلام در پیشگیری از جرم و حرکت در مسیر خوبی‌ها و پاکی‌هاست. هدف این نوشتار، بررسی رویکرد پیشگیرانه دینی و مقایسه آن با یافته‌های بشری است که عمق اثرگذاری و تکامل بی‌نظیر دین را در امر پیشگیری به تصویر می‌کشد. روش تحقیق در این پژوهش، از نوع تحلیلی است و برای این منظور دیدگاه‌های صاحب‌نظران اسلامی مورد مطالعه، بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

**واژگان کلیدی:** جرم، سیاست جنایی اسلام، پیشگیری کنشی، سیاست جنایی شرعی.



## درآمد

است و در دو شکل؛ «پیشگیری موقعیت‌مدار<sup>۲</sup>» و «پیشگیری اجتماعی<sup>۳</sup>» ظاهر می‌گردد. رویکرد پیشگیری اجتماعی شامل اقداماتی است که آموزه‌های اسلامی از ۱۴۳۲ سال قبل به آن توجه داشته است و رهنمودهایی در این زمینه صادر کرده است.<sup>۴</sup> دین اسلام به پیشگیری بیش از درمان و اصلاح اهتمام دارد. به همین خاطر قبل از هر چیز، به عوامل به‌وجود آورنده آن موضوع توجه کرده و برای مقابله با آن راه‌کارهایی را که در وجود انسان نهادینه می‌شوند را ارائه کرده است. راهبردهایی که نقشی بی‌بدیل و متکامل در پیشگیری از جرم در سطح جوامع اسلامی بازی می‌کند. دین اسلام با جهان‌بینی توحیدی، به زندگی هدف و نشاط می‌دهد تا در پرتو آن انسان به آرامش و جامعه به آسایش دست یابد. ترویج دستورات اخلاقی اسلام و به‌کارگیری توصیه‌های آن در عرصه زندگی همان چیزی است که از آن به عنوان پیشگیری اجتماعی یاد می‌شود. اهتمام به ترویج اخلاق فاضله اسلامی در کنار عبادات فردی و اجتماعی از جمله اقدامات کم‌هزینه‌ای است که سیاست جنایی اسلام پیش روی جامعه قرار می‌دهد تا کارآمدترین نمونه پیشگیری را ترسیم کند. موضوع این نوشتار بررسی مؤلفه‌های پیشگیری اجتماعی در آموزه‌های اسلامی است.

### الف) نماز

اعمال آدمی از اعتقادات سرچشمه گرفته و بین ایدئولوژی و جهان‌بینی و یا حکمت نظری و عملی ارتباط و پیوند عمیق برقرار است. میزان پایبندی به تکالیف دینی به اعتقادات هر شخص بستگی داشته و هر قدر عقیده انسان نسبت به دین بیشتر باشد او را در انجام فرایض دینی مقیدتر و تعهدات عملی او بیشتر

سیاست جنایی اصطلاحی است که فوئرباخ<sup>۱</sup> برای اولین بار آن را در سال ۱۸۰۳ وضع کرد. این اصطلاح دربرگیرنده شیوه‌هایی است که برای مبارزه با بزهکاری کاربرد دارد. این شیوه‌ها بخشی از حقوق جزاست که به‌سوی یک هدف مشخص، جهت‌گیری شده است. این جهت‌گیری را می‌توان از زاویه واکنش تنبیهی و سرکوبگر در مقابل جرم بررسی کرد و موضوع آن را کشف شیوه‌های مبارزه مؤثر علیه بزهکاری دانست. قانونگذار به‌منظور پیشگیری از پدیده مجرمانه، در چارچوب قوانین به تدابیر، شیوه‌ها و ابزارهای کیفری روی آورده است. اما این نوع از پیشگیری (پیشگیری واکنشی)، شامل «اقدامات پسینی» است و پس از وقوع جرم با بهره‌جستن از تدابیر و اقدامات نظام عدالت کیفری برای کاهش نرخ جرم صورت می‌گیرد و رهیافت آن چیزی جز ارباب انگیزی فردی و جمعی از بزهکاری نخستین به‌منظور جلوگیری از بزهکاری دوباره آنها نیست.

در حالی که پیشگیری از جرم در معنای خاص (پیشگیری کنشی)؛ مجموعه تدابیر و اقدامات غیرکیفری با هدف مقابله با بزهکاری از طریق کاهش یا از بین بردن علل جرم‌زا و نیز اثرگذاری بر فرصت‌های پیش جنایی است، به‌گونه‌ای که بتوان با استفاده از ابتکارات و سازوکارهای غیرقهرآمیز بر شخصیت افراد و وضعیت پیش از ارتکاب جرم گذاشت تا از وقوع بزه جلوگیری شود. پیشگیری کنشی شامل؛ مجموعه تدابیر و اقدامات غیرکیفری است که پیش از ارتکاب بزه و با مداخله در فرایند فعلیت جرم و وضعیت پیش جنایی درصدد جلوگیری از بزهکاری است. این پیشگیری دربرگیرنده «اقدامات پیشینی»

#### 1. Feuerbach

۲. پیشگیری موقعیت‌مدار، دربرگیرنده مجموعه تدابیر و اقدامات غیرکیفری است که با از بین بردن یا کاهش فرصت‌های مناسب برای وقوع جرم و نامناسب جلوه دادن شرایط و موقعیت پیش جنایی از ارتکاب بزه جلوگیری می‌کند. این نوع از پیشگیری با تسلط بر محیط و شرایط پیرامون جرم (وضعیت مشرف بر جرم) درصدد آن است تا از طریق کاهش جذابیت آماج و جاذبه‌زدایی از آن، فزونی خطر شناسایی، احتمال دستگیری بزهکار و به‌طور کلی نامناسب جلوه دادن وضعیت پیش جنایی آماج جرایم را کاهش دهد.

۳. پیشگیری اجتماعی با ایجاد تغییرات و اصلاحات در فرد و جامعه به‌دنبال جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی است. این نوع از پیشگیری درصدد آن است که اعضای جامعه را از طریق آموزش، تربیت، تشویق و تنبیه با قواعد اجتماعی آشنا کند تا علل اجتماعی یا فردی اثرگذار بر بزهکاری از بین برده شوند. این نوع از پیشگیری در بعد اجتماعی، در تلاش است تا با اتخاذ تدابیر و اقدامات مناسب برای از بین بردن عوامل جرم‌زا بر محیط اجتماعی و عمومی اثر گذارد و در بعد فردی با بهره‌گیری از تدابیر و اقدامات پیشینی درصدد شخصیت‌سازی و اثرگذاری بر فرایند شکل‌گیری شخصیت افراد است.

۴. این علاوه بر راهبردهای دیگری است که در سیاست جنایی اسلام وجود دارد. رویکرد مشارکتی - اجتماعی در سیاست جنایی اسلام، نیز نقش قابل توجهی در شکل‌گیری سیاست‌ها و راهبردهای پیشگیرانه آن داشته است. این شاخصه که از طبیعت مذهبی سیاست جنایی اسلام نشئت می‌گیرد، قربانی، مجرم و نیز جامعه مدنی (مجموعه شهروندان) را در پاسخ‌دهی مداخله می‌دهد. بزه‌دیده در مراحل مختلف (دفاع مشروع، تعقیب بزهکار و مطالبه کیفر او و نیز اعمال کیفر) نقش عمده‌ای در پاسخ‌دهی به بخش مهمی از جرائم ایفا می‌کند. مجرم نیز در مرحله تعقیب، اثبات جرم (حق دفاع، اقرار، انکار و ...)، صدور حکم و اجرای آن سهم قابل توجهی در پاسخ‌دهی به هنجارشکنی در حین ارتکاب جرم و پس از ارتکاب جرم، در قالب پاسخ کیفری و پاسخ غیرکیفری دارد. جامعه مدنی (در مقابل مراجع رسمی دولتی) از طریق نقش‌های مختلفی که قربانی جرم، مجرم و مجموعه شهروندان در این سیاست جنایی ایفا می‌کنند، در پاسخ به نقض هنجار مداخله دارد.

است. فردی که دارای ضعف ایمان یا بی اعتقادی باشد، هدف معین و شخصی در زندگی نداشته و چون دارای هدف معینی نمی باشد، زندگی و حیاتش متزلزل و چنین فردی سعادت مند نخواهد بود. به عبارت دیگر با اعتقادات دینی فرد زنده است و هر قدر اعتقادات قوی تر باشد، شادابی و نشاط بیشتری در فرد تجلی می کند.

فرد به علت غفلت از خدا مرتکب جرم می شود و هوای نفس هر لحظه او را به غفلت و سرکشی سوق می دهد و به غرور و خودخواهی دعوت می کند و به افزون طلبی و تمامیت خواهی فرامی خواند، بنابراین باید در مقابل آن عامل قوی و بازدارنده باشد که جلوی این رذایل را سد کرده و فرد را به سمت عزت و عظمت انسان سوق دهد، که یکی از این عوامل نماز است. در سرشت آدمی نسیان و فراموشی عجیب با یکدیگرند. بنابراین هر لحظه بیم آن می رود که انسان خود و آفریدگارش را به فراموشی سپرده و مرتکب جرم شده و کمال و انسانیت خویش را در حیات حیوانی ببیند. اینجاست که نماز او را بر مداومت بر ذکر، خواه در شب یا روز برمی انگیزاند و زمینه های نسیان و فراموشی را در فرد برهم می کوبد. نماز موجب یاد خدا و دوری از غفلت و سرکشی و باعث خشوع، فروتنی و خواهان افزایش معنوی و مادی است. نماز، ابزار پرستش و عبادت ویژه ای است که بنده در پیشگاه خداوند بزرگ انجام می دهد. نماز جزء جدایی ناپذیر تمام شرایع الهی است. جایگاه نماز در فروع دین ویژه و بهترین وسیله برای قرب به پروردگار است.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم یذكر الله الا یذكر الله تطمئن القلوب» (رعد/۲۸)؛ «آنها که به خدا ایمان آورده اند؛ دلهایشان به یاد خدا آرام می گیرد، آگاه باشید که تنها یاد خدا آرام بخش دلهاست». از جمله آثار یاد خدا آرامش خاطر است. این اثر در اقامه نماز آشکار است. زیرا اقامه نماز سبب آرامش خاطر و رفع نگرانی ها می شود (طه/۱۴). در این رابطه، پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید: «مثل الذی یذكر الله تعالی و الذی لا یذكر الله فیه کمثل الحی و المیت»؛ «مثل خانه ای که در آن از خدا یاد می شود و خانه ای که در آن یادی از خدا به میان نمی آید، مثل زنده و مرده است» (ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۱: ۸۲).

از طرف دیگر، رابطه بین اختلال های خلقی و رفتارهای جنایی

و خشونت آمیز پیچیده است. زیرا افراد مبتلا به اختلال های خلقی به طور همزمان مبتلا به اختلال های دیگری چون سوء مصرف مواد و اختلال های شخصیت هستند. مودستین، هوگ، و آمان؛ گروهی از بیماران مبتلاء به اختلال های عاطفی را با گروه گواه همتا شده، مقایسه کردند. آنها گزارش کردند که احتمال درگیری در رفتارهای جنایی و مجرمانه برای گروه بیماران مبتلاء به اختلال های عاطفی در حدود ۱/۶ بار بیشتر از گروه مقایسه ای بود. به علاوه گروه بیماران مبتلاء به اختلالات عاطفی با احتمال بیشتری (۳۰ درصد در مقابل ۱۵ درصد) محکوم به زندان می شوند و با احتمال بیشتر (۶/۲ محکومان در مقابل ۳/۹) جرم های گذشته را تکرار می کنند (Modestin, ۱۹۹۷: ۲۵).

محققین درباره تأثیر مذهب، محیط های مذهبی و آداب و رسوم دینی در سلامت روانی افراد، بهداشت روان جامعه و بهبودی بیماران روانی و مقاوم کردن افراد در برابر رخدادهای دردناک و ایجاد آرامش تحقیقاتی صورت داده اند و به دستاوردهای مهمی رسیده اند. با وجود اختلاف روش ها، محیط ها و موضوعات مورد بررسی، تقریباً همه این پژوهش ها تأیید می کنند که در محیط های مذهبی و جامعه هایی که ایمان مذهبی در آنها بیشتر است، میزان اختلال های روانی و به ویژه افسردگی به طور محسوسی کمتر از میزان آنها در محیط ها و جوامع مذهبی است و افراد مذهبی به طور کلی از سلامت روانی بیشتری در مقایسه با دیگران برخوردارند. چراکه میزان افسردگی و نگرانی در افرادی که همواره نماز می خوانند، کمتر از افرادی است که هرگز نماز به جای نمی آورند. وقتی فرد با خداوند متعال ارتباط معنوی دارد و با یاد او در عبادت مأنوس است، آرامش بالایی دارد و نگرانی ها و تشویش ها را به وسیله ارتباط با خدا تعدیل می کند و به سبب پیوند با آن اقیانوس بیکرانه رحمت و عظمت، به اطمینان و آسایش می رسد. عکس این معنا نیز درباره ترک ذکر الهی صادق است. از آن رو که ترک یاد خداوند، زمینه ساز شقاوت و بریده شدن از اصل خویش می شود و به از دست دادن سعادت می انجامد؛ تشویش خاطر، ناراحتی و اضطراب فرد را در پی دارد (طه/۱۲۴).

نماز موجب گشایش مشکلات دنیایی است. زیرا چنان قدرتی در فرد ایجاد می کند که او بر همه معضلات و سختی های زندگی فائق آمده و با آنها دست و پنجه نرم می کند و بر اثر وجود

می‌رود. از دیدگاه امام علی (ع) اخلاق دستمایه سعادت دنیایی بشر است. حضرت می‌فرماید: «اگر به خدا و قیامت اعتقاد و از آن ترسی نباشد، باز هم لازم است آدمیان به اخلاق درست روی آورند؛ زیرا این امر مایه رهایی و رستگاری آنان است» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۱: ۵۰۴). ایشان توجه به خودسازی و حسابرسی نفس را باعث سلامت فرد و جامعه می‌داند. سفارش‌های امیرمؤمنان (ع) در زمینه خودسازی، محتوا، زهد، ایثار، همدلی و همراهی، تحمل، صبر، عفاف و به‌ویژه پرهیز از دنیاپرستی و آز، در جهت پرورش اخلاقی فرد و جامعه و نقشی است که این مهم در پیشگیری از بزهکاری دارد.

سیاست جنایی همه‌جانبه‌نگر اسلام در چشم‌اندازی وسیع با توصیه به ترویج اخلاق فاضله گام‌های رفیعی را پیش‌تر از سیستم‌های معمول سیاست جنایی در جهان برداشته و در اقدامی ریشه‌ای اولین پایگاه پیشگیری از جرم را خود «فرد» قرار می‌دهد. تشویق انسان‌ها به تلاش برای دستیابی به مکارم اخلاقی از سویی، ایشان را به سمت تکامل اولویت خویش فرا می‌خواند و از سویی دیگر در تغییر جهتی آگاهانه و بی‌نظیر مانع از حرکت ایشان به سمت ردایل اخلاقی در درجه نخست و در نهایت فرو افتادن ایشان در ورطه بزهکاری می‌گردد. به این ترتیب اسلام تنها ردایل و ناهنجاری‌ها و درنهایت بزهکاری‌ها را نشانه نمی‌ورد؛ بلکه با پرورش محسنات اخلاقی در انسان‌ها، مانع از آن می‌شود که حتی خیزش به سمت ردایل صورت گیرد.

به این ترتیب هر جامعه‌ای که بهتر بتواند در قالب‌های مختلف علمی، هنری، اجتماعی، فرهنگی و غیره به سمت ترویج و پرورش فضائل اخلاقی پیش برود، علی‌الاصول شاهد ردایل و ناهنجاری‌ها و بزهکاری‌های کمتری در سطح خود خواهد بود. برخی از این آموزه‌ها که می‌توانند در پیشگیری از وقوع جرائم و انحرافات نقش بسزایی داشته باشند، در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

#### ۱. تقوا و دوری از هواپرستی

تقوا و رعایت حدود الهی، به‌عنوان مهم‌ترین ارزش اخلاقی است که انسان را به انجام وظایف خود و دوری از جرائم و انحرافات ملزم می‌کند. درحالی که هیچ ارزش اخلاقی دیگری، به اندازه تقوا مورد سفارش و دستور خداوند قرار نگرفته است و هیچ

همین اثر است که در مقابل مصائب و سختی‌ها دچار افسردگی و بیماری‌های روحی نمی‌شود. از این رو، نماز نقشی محوری در التیام بیماری‌های روانی، بیماری‌هایی که می‌توانند زمینه‌ساز بسیاری از جرائم باشند، خواهد داشت. علاوه بر این، نمازهای یومیه نوعی تذکر مستمر و خودخواسته و آگاهانه هستند که انسان را از تنگناهای فراموشی و غفلت می‌رهانند و سد استواری در مقابل جرم و انحراف تأسیس می‌کنند.

#### ب) ترویج اخلاق فاضله

اخلاق فردی به‌مثابه نظام نظارت‌کننده قوی درونی، در مقابل قانون و پلیس که نظارت‌کننده‌های بیرونی هستند، عمل می‌کند. اخلاق اجتماعی نیز نوعی نظارت‌کننده غیررسمی است که به‌مراتب قوی‌تر و کارآمدتر از قانون است که ابزار نظارت رسمی به‌شمار می‌رود. بنابراین برای دنیای خوب، اخلاق اجتماعی و فردی به‌طور مساوی لازم است. در نقطه مقابل، حاکمیت ردایل اخلاقی و عدم وجدان اخلاقی، عامل بسیاری از بزهکاری‌های کوچک و بزرگ به‌شمار می‌آید. تحقیقات روان‌شناختی نشان می‌دهد که جنایت و بزهکاری، با درجه‌های پایین استدلال اخلاقی همراه است و حتی بین نوع جرمی که محکومان مرتکب می‌شوند و مرحله رشد اخلاقی آنها رابطه وجود دارد. اخلاق فاضله می‌تواند قانع مهمی در برابر شهوت‌ها، خودپرستی‌ها و خودبینی‌ها باشد. شهوات بشری تنها در برابر یک نیروی اخلاقی معتبر باز می‌ایستند. اگر اقتدار اخلاقی وجود نداشته باشد، قانون جنگ حکم‌فرماست و ستیزه‌جویی به صورت پنهان یا به شکل حاد، حالتی مزمن به خود می‌گیرد.

شریعت اسلام اخلاق را از اساسی‌ترین ارکان اجتماع می‌داند و در حمایت از آن می‌کوشد و با انحراف از این مسیر به شدت برخورد می‌کند. به‌گونه‌ای که برای بسیاری از رفتارهای ضداخلاقی مجازات در نظر گرفته است (عوده، بی‌تا، ج ۱: ۲۰۸). از سوی دیگر یکایک افراد را به اخلاق نیک دعوت می‌کند. پیامبر هدف از برانگیخته شدن خود را کامل کردن مکارم اخلاقی می‌داند. این‌ها همه از نقش بارز اخلاق در سعادت فرد و جامعه حکایت دارد. زیرا کسی که خود را به اخلاق نیکو آراست، به‌ندرت مرتکب جرم می‌شود.

در چنین جامعه‌ای زمینه‌ها و علل پیدایش جرم از بین

مرحله بالاتر در مقابله با رفتارهای تنش‌زای دیگران، این است که انسان در مقابل آن، رفتار پسندیده‌ای از خود نشان دهد و با این عکس‌العمل طرف مقابل را تحت تأثیر قرار داده و او را متحول کند. از نظر قرآن کریم، این ویژگی اخلاقی موجب می‌شود که عداوت و دشمنی - که ریشه بسیاری از جرائم است - به دوستی و محبت تبدیل شود و روابط افراد با یکدیگر رابطه‌ای دوستانه و محبت‌آمیز گردد.

منشأ بعضی از جرائم و انحرافات اخلاقی و اجتماعی، محرومیت‌های اقتصادی و مادی است. طبقات و گروه‌هایی در جامعه، از تأمین حداقل نیازهای مادی خود ناتوانند و از حداقل امکانات زندگی محروم می‌باشند و این محرومیت می‌تواند منشأ رفتارهای انتقام‌جویانه یا جرمی گردد که هدف از ارتکاب آنها، دست یافتن به حداقل امکانات زندگی و رفع محرومیت است. در قرآن، راه‌کارهای متعددی برای رفع محرومیت و تأمین نیازمندی‌های طبقات محروم جامعه ارائه شده است، که مهم‌ترین آنها انفاق مال (بقره/۲۵۴) و احسان (بقره/۱۹۶) به آنهاست.

انفاق و احسان در مواردی تحقق پیدا می‌کند که انسان آن‌چه را افزون بر نیاز خود دارد، در اختیار نیازمندان قرار دهد؛ اما مرحله بالاتری را قرآن بیان می‌کند که از آن به‌یثار نام می‌برد و آن ترجیح دادن دیگران بر خود و تأمین نیازمندی‌های دیگران به‌رغم نیاز خویش است (حشر/۹).

### ۳. حسن ظن

یکی از آموزه‌های اخلاقی دیگر که می‌تواند اثر پیشگیرانه داشته باشد و از بروز تنش و درگیری در روابط افراد با یکدیگر جلوگیری کند، حسن ظن به دیگران در اعمالی است که از آنها سر می‌زند. سوءظن و بدگمانی به دیگران، منشأ تصورات غیرواقعی نسبت به آنان و در نتیجه دگرگونی در روابط با آنها خواهد شد. به همین دلیل، آموزه‌های اخلاقی اسلام، انسان‌ها را به حسن ظن بر بهترین وجه ممکن توصیه کرده است و سوءظن به دیگران را در بسیاری از موارد، نه تنها امری غیراخلاقی، بلکه گناه و معصیت دانسته است و از آن نهی کرده است (حجرات/۱۲). ضمن این‌که از دیدگاه جرم‌شناختی، سوءظن به دیگران و افراط در این امر می‌تواند موجب پدید آمدن بیماری توهم نسبت به آنان و در نتیجه دشمن‌انگاشتن آنان و حتی تلاش برای از بین

گروهی مانند متقین مورد ستایش واقع نشده‌اند (اعراف/۱۲۸)، توبه/۷، بقره/۱۹۴ و ...). این ویژگی مهم اخلاقی که ثمره ایمان و اعتقاد انسان به خداوند و بازگشت به سوی اوست، به عنوان تنها راه سعادت و رستگاری انسان (نبأ/۳۱) تأثیر شگرفی بر رفتارها و تعاملات انسان‌ها با یکدیگر دارد، به‌گونه‌ای که انسان با تقوا، پیش از انجام هر عملی، آن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و تنها در صورتی که آن را مطابق با معیارهای الهی و انسانی بداند، اقدام می‌کند و در غیر این صورت هرگز مرتکب آن نخواهد شد. علاوه بر این، برخورداری از این ویژگی‌های اخلاقی، انسان را نسبت به اعمال و رفتار دیگران نیز حساس و مسئول قرار می‌دهد. به‌گونه‌ای که سعی می‌کند دیگران را نیز به انجام رفتارهای پسندیده سفارش کند و از انجام کارهای ناپسند باز دارد.

گناه و شهوت پرستی عاملی ویرانگر است که قلب آدمی را تاریک می‌کند و قابلیت درک حقایق را از او می‌گیرد. آن‌گاه که قلب انسان از درک حقایق محروم می‌گردد، استعدادهای مثبت او از میان می‌رود و استعدادهای منفی او رشد می‌کند. اینها فرد را به ورطه رفتارهای مجرمانه می‌کشاند تا آن‌جا که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید این فرایند انسان را تا مرز الحاد و بی‌دینی تنزل می‌دهد. علاوه بر این، هواپرستی، آدمی را از تشخیص درست باز می‌دارد و مانع حرکت تکاملی انسان می‌شود. در این رابطه امام صادق (ع) می‌فرماید: «هیچ چیز بدتر از گناه قلب انسان را تباه نمی‌کند» (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۸۱)، زیرا قلب که دچار خطا شود، بر آن حالت می‌ماند تا آن‌که آلودگی‌ها بر آن چیره شود و آن را واژگون کند.

### ۲. عفو و ایثار

از ارزش‌های اخلاقی که می‌تواند مانع از ارتکاب جرم گردد، عفو و گذشت است. اگرچه از دیدگاه قرآن کریم، مقابله به مثل در برابر رفتار ظالمانه دیگران به‌عنوان یک حق پذیرفته شده است (شوری/۳۹)، با وجود این عفو، گذشت و بردباری در برابر ظلم دیگران نیز به‌عنوان یکی از ویژگی‌های مورد تأکید، قرار گرفته است. برخورداری از این ویژگی، موجب می‌شود که انسان خشم و غضب ناشی از رفتار دیگران را - که می‌تواند منشأ عکس‌العمل‌های شدید شود، - کنترل کند و از به‌وجود آمدن تنش و درگیری در روابط خود با دیگران جلوگیری کند.

بردن دشمنان شود، که خود عامل جرم‌زا است.

#### ۴. عفت، پاکدامنی و حجاب

عفت و پاکدامنی از جمله عواملی است که زمینه بالندگی را فراهم آورده و مانع از بروز رفتارهای مجرمانه می‌گردد و شخصیت انسان را از پستی و انحطاط مصون نگه می‌دارد. امام علی (ع) در اشاره به تأثیر بالای عفت بر رشد و تعالی شخصیت انسان می‌فرماید: «چه بسا عقیف پاکدامن از زمره فرشتگان محسوب گردد.» (نهج البلاغه، حکمت ۴۶۶). برای نشان دادن نقش عفت بر شخصیت می‌توان حضرت یوسف را مثال آورد. اگر آن حضرت در دنیا عزت یافت (یوسف/۵۶) و در قیامت از پاداش مضاعف برخوردار خواهد گشت، به این دلیل است که پاکدامنی را پیشه خود ساخت و با قدرت تمام از چنگ شهوت گریخت و زندان را بر آنچه از او درخواست شد، ترجیح داد (یوسف/۵۷).

یکی از ابعاد پاکدامنی رعایت حجاب و پوشش اسلامی است. تنها آیهای که در آن واژه «حجاب» به کار رفته است، آیه ۵۳ از سوره احزاب است. اما پوشیده نگهداشتن قسمت‌هایی از بدن به وسیله زنان، کاربردی محدود از واژه حجاب است که قابل تسری به رفتارهای انسان نیز است. مفاد آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور به وظایف زن و مرد در معاشرت (ارتباط) با یکدیگر احکامی ویژه دارد: هر مسلمان، چه مرد و چه زن، باید از چشم چرانی و نظربازی اجتناب کند. زنان باید آرایش و زیور خود را بر دیگران آشکار نسازد و درصدد تحریک و جلب توجه مردان برنیایند، یعنی به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازند. از همین رو است که اسلام می‌خواهد انواع لذت‌های جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط‌های خانوادگی و در کادر ازدواج اختصاص یابد. بنابراین حجاب مختص به پوشش ظاهری زن و مرد نیست و دامنه‌ای گسترده دارد. حجاب هر نوع رفتار زن و مرد را که برگرفته از جنسیت آنها باشد را دربرمی‌گیرد. در معنایی وسیع؛ گفتار، نوشتار، ایماء و اشاره، بیان چهره‌ای، لباس و بازیگری را می‌توان بخشی از این رفتارها دانست (سولیوان و دیگران، ۱۳۸۴: ۳۱) که باید توأم با عفاف و پاکی صورت گیرد. چراکه برخی از این رفتارها شیوه‌ای خاص در انتقال پیام هستند که مشتمل بر نظامی از نمادها یا رمزها هستند. از این رو، رفتار زن به هر شکل که باشد، دارای پیام است. راه رفتن، نگاه کردن، سخن

گفتن (لحن صدا) و پوشش او، زبان ارتباط وی است.

از طرف دیگر، لباس فرد بر رفتار وی اثر می‌گذارد. انتخاب لباس، مانند انتخاب واژه‌ها با فرد است و افراد ناگزیر هستند که مسئولیت هر دو را در عرصه عمومی بپذیرند و عواقب ایجاد هر نوع سوءتفاهمی را قبول کنند. بنابراین اگر افراد بخواهند با دیگران ارتباط مؤثر داشته باشند، نمی‌توانند به گونه‌ای رفتار کنند که گویی آنچه پوشیده‌اند، بخشی از پیام‌های ارسالی آنها نیست، چراکه دیگران همواره بر مبنای ظواهر و انتخاب‌های افراد قضاوت می‌کنند. بنابراین حجاب اسلامی صرفاً پارچه‌ای نیست که اندام را بپوشاند؛ بلکه وسیله‌ای برای مصونیت زن و جامعه است. پوشش اندام و حجاب وقتی کامل است که بیننده را تحریک نکند، صورت آشکار و آرایش شده، هم‌سخنی با نامحرم به شیوه دلریا، عامل تحریک و توجه است. هر چند همه بدن به‌طور کامل پوشیده شده باشد.

در واقع حجاب سلسله‌ای از پیش‌بینی‌ها و عاقبت‌اندیشی‌ها برای دور نگهداشتن زن از آسیب‌ها و تهدیدات است. پوششی که او را از گزند هر نوع توهین، تحقیر و استفاده نابجا حفظ کند و زن براساس آن فریفته تحسین‌ها و تمجیدهای هوسبازان نشود. چه این تمجیدها از طرف ولگردهای خیابانی و چه از طرف نظریه‌پردازان نظام سرمایه‌داری با عنوان جانبداری از حقوق زن (غلامی، ۱۳۸۵: ۱۶۰) ابراز شود. چراکه از لحاظ جرم‌شناختی، برخی اوقات رفتار انسان می‌تواند بر سرنوشتش مؤثر واقع شود. بسیاری از قربانیان جنایت، از طریق تحریک و برانگیختن جانی و یا با ایجاد یا پرورش موقعیتی که احتمالاً منجر به ارتکاب جرم از طرف جانی می‌شود، به قربانی شدن خود کمک می‌کنند (عبدالفتاح، ۱۳۷۸: ۱۱۵).

پوشش ظاهری زن و رفتارهای غیر کلامی او که برخاسته از تفاوت‌های جنسی او است، گاه نقش بسزایی در شکل‌گیری برخی جرائم به‌طور مستقیم و غیرمستقیم علیه او دارد. بنابراین رعایت حجاب در همه ابعاد آن می‌تواند علاوه بر بالا بردن ضریب امنیت جامعه و نهاد خانواده، نقش بسزایی در پیشگیری از برخی جرائم، خاصه جرائم منافی عفت و جرائم خشونت‌آمیز علیه زنان ایفاء کند. از این رو، اعتقاد افراد به رعایت موازین شرعی در برخورد با نامحرم بدان نحو که مورد تأکید دین مبین اسلام

است، می تواند روشی هوشمندانه و مترقی در حفظ کرامت و امنیت زن و کاهش آسیب پذیری او باشد.

### ۵. الگوپذیری و دوری از همنشینی با ناهلان

دست آفرینش، انسان را به گونه ای آفریده است که گویا الگوپذیری در متن خلقت او نهاده شده است. انسان از شخصیت دیگران متأثر می شود، به سبک دیگران می پوشد، سخن می گوید، راه می رود و خوی و مرام دیگران را به خود می گیرد. قرآن کریم و دین مبین اسلام با در نظر گرفتن این حالت روانی انسان، دست پیش گرفته و سعی می کند با معرفی الگوی مناسب، از این ویژگی انسان در جهت تکامل وی و جلوگیری از افتادن او به دام رذایل و صفات پست اخلاقی و حرکت او به سمت رفتارهای مجرمانه، بهترین بهره برداری را به عمل آورده است.

جالب این است که قرآن کریم آن گاه که از ضرورت پیروی از شخصیت های برتر سخن می گوید، رشديافتگی را در گروه الگوپذیری می داند. حضرت موسی از معلمی بزرگ که از علم الهی برخوردار بود (کهف/۶۵)، می خواهد به او اجازه دهد تا با پیروی و همراهی او آن چه صلاح و مایه رشد اوست، از وی بیاموزد (کهف/۶۶). قرآن همان طور که همراهی با الگوهای رشديافته را مایه رشد و تعالی می داند، همراهی و پیروی از الگوهای منحط را نیز عامل انحطاط شخصیت معرفی کرده است (هود/۹۷).

چنان که ملاحظه می شود در این آموزه اخلاقی قرآن کریم و دین مبین اسلام، علاوه بر این که به تقویت خودباوری انسان پرداخته می شود، به انسان یادآوری می شود که همه انسان ها با ویژگی های مختلف ظاهری، قومی، نژادی و طبقاتی می توانند به سمت تکامل حرکت کنند. از این رو آموزه های دینی با معرفی الگوهای متکامل مانع از بروز انحراف در سطوح مختلف آن در جامعه می شوند (احزاب/۲۱ و ممتحنه/۴۰). از آن جا که انسان موجودی الگوپذیر و فراموشکار است، همنشینی با ناهلان می تواند فضای مناسبی را برای انحراف، بزه و جرم پیش روی انسان فراهم آورد. بنابراین آموزه اخلاقی در پیشگیری از جرم نقش بسزایی دارد.

اگرچه انسان موجودی اجتماعی و ناگزیر از معاشرت با دیگران است، نباید از این واقعیت غفلت کرد که گاه همنشینی و معاشرت با فرومایگان، آدمی را به پرتگاه پستی و خواری

می کشاند و به دره تباهی، فرو می اندازد. چراکه انسان های تربیت یافته و نیک رفتار در معاشرت با دیگر افراد تربیت نافرمان همچون پنبه ای در مجاورت آتش و شیشه ای در کنار سنگ هستند. از این رو نباید با هر کسی دست برادری داد. امام صادق (ع) فرمود: «اللاخوان ثلاثة فواحد كالغذاء الذي يحتاج اليه كل وقت فهو العاقل والثاني في معنى الداء وهو الاحمق والثالث في معنى الدواء فهو» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۲۳۸)؛ برادران سه گروهند: گروهی چون غذای سالمند که پیوسته به آن نیاز است و آنها خردمنداند. دومی مانند درد است و آنها نابخرداند، و سومی چون داروی شفابخش است.»

اگرچه امام در این سخن، آشکارا و به طور مستقیم از رابطه برادری با افراد قسم دوم، منع نکرده است، نه تنها خرد آدمی از معاشرت با چنین افرادی باز می دارد، بلکه دیگر پیشوایان و نیز دیگر سخنان نقل شده از امام صادق (ع) به گریختن از افراد ناسالم فرمان داده است، همچون گریز از دوستان دروغگو، فاسق، بخیل، نابخرد، خیانت پیشه، دورو، اغفال گر، میگسار، بدکاره، سخن چین، چاپلوس (نوری، ۱۴۰۸، ج ۸: ۳۵۲).

افزون بر آسیب های رفتاری یاد شده، آسیب های دیگری نیز هست که پیوند برادری را با خطرات جدی روبرو می سازد، آسیب هایی چون عیب جویی و عیب گوئی، جدل و ستیزه گری، شوخی های بی جا، خواسته های نابجا (کلینی، ۱۴۰۱، ج ۲: ۱۶۷).

### ۶. کسب علم و تذکر

رشد و بالندگی تنها با رفتار ارادی و آگاهانه امکان پذیر است و بدیهی است تا علم و معرفت نباشد، میل و اراده به کمال مطلوب حاصل نمی گردد، پس باید آموخت و معرفت لازم را کسب کرد و از روی آگاهی، گام در مسیر زندگی نهاد و حرکت تکاملی را آغاز کرد؛ چراکه حرکت بدون علم و بصیرت حرکت در ظلمت و تاریکی است و حرکت در تاریکی رو به گمراهی و بیراهگی است. «عمل کننده بدون آگاهی مانند مسافری است که بیراهه می رود و شتاب حرکتش جز دوری از راه، سودی ندهد» (صدوق، ۱۴۰۴: ۵۰۷).

تأثیر علم و معرفت در بالندگی انسان تا آن جاست که قرآن علم و آگاهی را عاملی برای برتری انسان و فرشتگان دانسته است (بقره/۳۳-۳۰). قرآن کریم در این باره که دانش و معرفت آدمی

و قدرت خودآگاهی، خدانشناسی و آشنایی با هدف را از انسان سلب می‌کند و به تعبیر قرآن غفلت آدمی را از مقام والای انسانی تا حد حیوان و پست‌تر از آن تنزل می‌دهد (اعراف/۱۷۹). مسئله تذکر چنان است که قرآن کریم آن را از وظایف پیامبران می‌داند که به کمک آن فطرت‌های خفته، غفلت‌زدگان را بیدار می‌ساختند، آنان را با خدا و هدف حیات آشنا می‌کردند و به سوی هدف، راهنمایی می‌کردند (ذاریات/۵۵).

اهمیت این موضوع را در شیوه حضرت ابراهیم (ع) می‌بینیم که آن حضرت با تذکر خود، غفلت‌زدگان را از خواب غفلت بیدار ساخت. آنان که با خود بیگانه بودند با تذکر ابراهیم به خود آمدند و به خویشتن خویش بازگشتند. آن‌گاه که برای چند لحظه پرده غفلت کنار رفت و دیدند که به بت‌پرستی از مسیر رشد منحرف گشته و از حرکت تکاملی بازمانده‌اند. خود را ملامت کردند و یکدیگر را ستمکار خواندند (انبیاء/۶۴). چنان‌که از آیات مبین قرآن کریم استفاده می‌شود، کسب علم و آگاهی به تنهایی کافی نیست، چراکه نفس آدمی فراموشکار است و چه‌بسا مرور زمان و عوامل زیست‌محیطی، غبار فراموشی را بر آن بنشانند و از این رو است که ذکر و تذکر بسیار مورد تأیید و تأکید متون دینی قرار گرفته است. کسب علم و آگاهی شاید به صورت مقطعی مانع از فرومایگی و انحراف گردد؛ اما به مرور زمان ممکن است دستخوش فراموشی شود. از این رو است که تذکر به انحراف مختلف فردی و اجتماعی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. چراکه اثر بی‌نظیر علم، معرفت و آگاهی را در بستر زمان و مکان استمرار می‌بخشد و شگردها و روش‌های مختلفی برای اجرای آن وجود دارد که مقتضیات زمانی و مکانی می‌تواند تأثیر مهمی در آن داشته باشد. بسیاری از عبادات فردی و اجتماعی چون نماز جماعت، حج و ... در کنار آثار سازنده دیگری که دارند، نقش مهمی در یادآوری و تذکر دارد.

### ج) کنترل اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر

هر اجتماعی دارای مجموعه‌ای از آداب و رسوم است که خمیرمایه و زیرساخت‌های اصل تداوم حیات آن اجتماع است. هر اجتماعی می‌کوشد تا با شیوه‌های گوناگون این امور را قوت بخشد و افراد را به مراعات آن‌ها تشویق کند. فرایند «جامعه‌پذیری» و «نظارت اجتماعی» از سازوکارهایی هستند که در این جهت

را به مقام‌های والا می‌رساند می‌فرماید: «یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوال العلم درجات» (مجادله/۱)؛ خداوند درجات کسانی را که ایمان آورده‌اند و [نیز] آنان را که از علم برخوردار گشته‌اند، بلند می‌گرداند.

یکی از راهزنانی که آدمی را از کوی کرامت باز می‌دارد، نادانی و ناآگاهی است. کسی که از علم و معرفت دینی بی‌بهره است، نه هدف را می‌داند که چیست و نه راه را می‌شناسد که کدام است؟ از این رو ناتوان از ادامه حرکت تکاملی است؛ چراکه حرکت بدون علم و بصیرت حرکت به سوی بالندگی نیست، بلکه به سوی انحطاط و تباهی است. رفتار مجرمانه می‌تواند نمایانگر یکی از جلوه‌های عدم علم و آگاهی باشد که فرد مجرم را به سوی رذایل اخلاقی رهنمون شده است. امام علی (ع) می‌فرماید: «لو أن العباد حين جهلوا وقفوا لم يكفروا ولم يضلوا» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۱۶)؛ «اگر بندگان در هنگام نادانی از ادامه راه باز می‌ایستادند؛ نه کافر می‌شدند و نه گمراه». آن حضرت در این باره که نادانی و ناآگاهی عاملی زیان‌بار است، گاه آن را مایه خواری انسان می‌داند (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۸۰). امام علی (ع) در جایی دیگر در این باره که شخص نادان موجودی بی‌تقواست و شخصیتی پست دارد، می‌فرماید: «نادان صخره‌ای است که آبی از آن نمی‌جوشد، درختی است که برگی از آن نمی‌روید و زینتی است که بوته‌ای در آن رشد نمی‌کند» (لیثی واسطی، همان: ۶۳).

علم‌آموزی و بالا بردن آگاهی‌های فردی و اجتماعی از جنبه‌های مختلف می‌تواند در کاهش جرم مؤثر باشد. از سویی با آشنایی با معارف دینی گاهی فرد به عواقب نیکو یا ناپسند جزئی‌ترین رفتار و آثار دنیوی و اخروی آن آگاه می‌شود و از حرکت در بیراهه‌های جرم و انحراف خودداری می‌کند. از سویی دیگر با یادگیری علوم و فنون روز دنیای خود، مسیری همواره در امرار معاش و برآوردن نیازهای طبیعی و فطری خود فراهم می‌آورد. ضمن این‌که آگاهی از نیازهای اساسی و غیراساسی انسانی و روش‌های مناسب ارضای آنها زمینه‌ای مناسب را برای رشد و تعالی فرد فراهم می‌آورد.

غفلت زیان‌بار است که آدمی را به اموری کوچک و کم‌ارزش مشغول می‌سازد و او را از حرکت تکاملی باز می‌دارد؛ زیرا غفلت نوعی بیماری است که حتی قوای ادراکی انسان را از کار می‌اندازد



امر به معروف و از عالی ترین و استوارترین و محکم ترین مراتب آن از نظر تأثیر، به خصوص نسبت به رؤسای دین، آن است که لباس نیکی ها را خواه واجب باشد، خواه مستحب، بپوشند و لباس منکرات، حرام یا مکروه را از تن جدا کنند و خود را به اخلاق عالی اسلامی تکمیل کنند و از اخلاق زشت، پاک سازند و چنین کاری علت کامل سوق دادن مردم به اخلاق نیکی ها و ترک محرمات است، به ویژه اگر پس از این عمل نیک، آن را به پند و اندرزهای نیک و تشویق کننده و هشداردهنده تکمیل کنند، زیرا هر مقامی گفتاری خاص و هر دردی، دارویی ویژه دارد و درمان روح ها و عقل ها، به مراتب بسیار بالاتر از درمان بدن هاست» (نجفی، ۱۴۰۰، ج ۲۱: ۳۸۲). در این مرتبه چیزی جز درونی کردن هنجارها از طریق ارائه الگوهای صحیح وجود ندارد و این همان چیزی است که در فرآیند جامعه پذیری رخ می دهد. به این ترتیب امر به معروف و نهی از منکر در کارکردی دو سویه، تأثیری بسزا در درونی کردن هنجارها دارد. این مسئله با تمسک به خودسازی - که برای فرد به ارمغان آورده شده است - به طور بنیادین در امر پیشگیری از جرم تأثیرگذار است.

در تفسیری مضیق از امر به معروف و نهی از منکر، برخی آن را در زمره مکانیسم های کنترل اجتماعی قرار داده اند. نهی از منکر فرایندی است که طی آن جامعه یا گروه افراد متدین با رفتارهای ناپهناج کج روانه مقابله کرده و تلاش می کنند از این ناپهناجها جلوگیری کرده و آن ها را به سمت هنجارهای دینی سوق دهد. به این ترتیب معنای مفهومی نهی از منکر در یک جامعه دینی و اسلامی همان «نظارت اجتماعی» در معنای جامعه شناسی است. به عبارت دیگر، «نهی از منکر در یک جامعه دینی مفهوم نظارت اجتماعی» (طالبان، همان: ۵۷) است.

در مطالعات جرم شناسی این نکته به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است که محیط اجتماعی، همانند محیط کشت برای میکروبها، می تواند محل رشد و پرورش مجرمان باشد. کسانی که استعدادها لازم را در به فعلیت رساندن اندیشه های شریانه خویش بیشتر مهیا می بینند، طبیعی است از این فرصت به نفع خویش استفاده کنند و به افکار خود جامعه عمل بپوشانند. پیامد چنین روندی، جز افزایش بزه کاری و شمار مجرمان و منحرفان و حاکمیت و سلطه آن ها بر جامعه نیست. برعکس، اگر هر یک

به کار گرفته می شوند. فرایند جامعه پذیری «جریانی است که به برکت آن، انسان در طول دوران حیات خویش تمام عناصر اجتماعی و فرهنگی محیط خود را فراگرفته و درونی می سازد و با ساخت شخصیت خود، تحت تأثیر تجارب و عوامل اجتماعی معنادار» (روشه، ۱۳۶۷: ۱۴۸) تلاش می کند تا خود را با محیط اجتماعی تطابق دهد. فرایند جامعه پذیری سبب درونی شدن هنجارها و ارزش های اجتماعی می شود، تا انسان بتواند خود را با ارزش ها و هنجارها به صورت آزادانه هماهنگ کند.

مهم ترین مکانیسم های جامعه پذیری «یادگیری» و «درونی کردن» است؛ در پرتو چنین ابزاری است که فرد به یک نظارت درونی دست می یابد؛ که در فرض غیبت مراجع کنترل کننده اجتماعی بیرونی، نیز رفتار فرد را هدایت می کند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۱: ۲۳۰). اما فرایند جامعه پذیری همواره موفق نیست. این عدم موفقیت نیز خود ریشه در عوامل گوناگونی دارد که در مباحث کج روی و جامعه شناسی انحرافات از آن بحث می شود. در این جاست که فرایند دوم که از آن به نظارت یا کنترل اجتماعی تعبیر می گردد وارد عمل می شود. کنترل اجتماعی یکی از «مهم ترین و متداول ترین مباحث جامعه شناسی است که درباره ابزارهای مختلفی که جامعه برای سر عقل آوردن اعضای عصیان گر خود به کار می گیرد» (برگه پیتزال، بی تا، ج ۱: ۱۵۹)، بحث می کند. نظارت اجتماعی، «تحلیل فرایندهایی است که میل به خنثی کردن تمایلات کج روانه دارند و به این شکل کنترل اجتماعی، وجه ترمیمی نظام اجتماعی به حساب می آید» (ریتیرز، ۱۳۷۴: ۱۲۰). با این اوصاف می توان، کنترل و نظارت اجتماعی را «خط دوم دفاع از نظام اجتماعی» (طالبان، ۱۳۷۶: ۳۷) به حساب آورد و همه تدابیر و اقداماتی که پیش از بروز رفتار انحرافی انجام می گیرد را جزئی از فرایند جامعه پذیری دانست و همه اقداماتی که پس از کج روی و در جهت برخورد با رفتار انحرافی صورت می گیرد تا افراد را به سوی هنجارها سوق دهد را نظارت اجتماعی محسوب کرد.

فرایند امر به معروف و نهی از منکر، از یک منظر می تواند ناظر به هر دو فرایند «جامعه پذیری» و «کنترل اجتماعی» باشد. اگرچه برخی آن را در زمره نظارت اجتماعی قرار می دهند. مرحوم صاحب جواهر در این رابطه می فرمایند: «از بزرگ ترین شاخه های

نقش بسیار مهمی در مصونیت و سلامت اجتماع و همچنین پیشگیری از جرم ایفاء می‌کند.

### نتیجه‌گیری

دین اسلام به پیشگیری بیش از درمان و اصلاح اهتمام دارد. به این خاطر قبل از هر چیز، به عوامل به‌وجود آورنده و زمینه‌های گناه و جرم توجه کرده و برای مقابله با آنها با واقع‌اندیشی تمام چاره‌جویی کرده است. پیشگیری اسلامی از جرم به‌گونه شگرف و عمیقی در جزء جزء آموزه‌ها و احکام فردی، اجتماعی، حکومتی، دنیایی و اخروی شریعت الهی و متکامل اسلام قابل ملاحظه است. به این ترتیب کل‌نگری و جزء‌نگری بی‌بدیل پیشگیری اسلامی در مقایسه با سایر راهکارهای پیشگیرانه ارائه شده بشری، وام‌دار اندیشه وحیانی و الهی است که از آن سرچشمه می‌گیرد.

امروز بشر در مواجهه با آمار رو به رشد جرائم، انواع مختلفی از پیشگیری را از جمله؛ پیشگیری ثانویه، اولیه، کنشی، واکنشی، موقعیت‌مدار، فردمدار و ... ارائه می‌دهد که ردپای این نوع پیشگیری‌ها را می‌توان در سیاست جنایی شرعی ملاحظه کرد. پیشگیری اولیه در قالب عبادات و مناسک دینی فردی و اجتماعی به‌خوبی نمایان است. توصیه به علم و آگاهی و تذکر و ... و احکام اقتصادی موشکافانه، به‌خوبی نشانگر این مهم است. پیشگیری ثانویه را می‌توان در قالب قانونگذاری دقیق و سیستم کیفری اسلام ملاحظه کرد. سیاست جنایی اسلام با جرم‌انگاری دقیق و تعیین مجازات‌های سنگین از سویی بازدارندگی قابل توجهی به‌وجود می‌آورد، در مقابل با سخت‌گیری در اثبات جرائم از دخالت در حیطه خصوصی افراد پیشگیری می‌کنند.

بحث حجاب در اسلام با توجه به ملاحظات آن که بیان شد، هم پیشگیری فردمدار را پوشش می‌دهد و هم موقعیت‌مدار را. بنابراین می‌توان گفت در نگاهی سطحی آموزه‌های اسلامی برآورنده نیازهای مبتنی بر علم بشری است؛ اما نگاهی عمیق‌تر نشان می‌دهد این آموزه‌ها مستقل از جریان دین‌مداری خاصه اسلام‌مداری نمی‌تواند نقش متکاملی که مورد انتظار است را بازی کند. بنابراین پیشگیری اسلامی پیوندی عمیق با شریعت اسلام و آموزه‌های جهان‌شمول آن دارد.

از اعضای اجتماع این مسئولیت را بر دوش خود احساس کند که باید در مقابل منکرات و ناهنجاری‌ها بایستند، فرصت‌های تبه‌کاری و کژروی از دست این‌گونه اشخاص گرفته می‌شود و رشد آنها متوقف می‌شود. این مسئله مختص به کلیه مراحل شکل‌گیری عمل مجرمانه است.

هر عمل مجرمانه خواه در مدت زمانی کوتاه انجام گیرد یا به نتیجه رسیدن آن، نیازمند زمانی طولانی باشد، در فرایندی خاص شکل می‌گیرد که آن را «سیر عمل مجرمانه» می‌نامند که خود متشکل از اعمالی است که شاید به لحاظ حقوقی تمام آن قابل مجازات نباشد. به این جهت گفته شده است که حقوق جزا به افراد فرصت آماده شدن و فکر کردن درباره اعمال مجرمانه و حتی برخی مقدمات کار را می‌دهد. از این نظر نمی‌توان از حقوق جزا انتظار پیش‌گیری ریشه‌ای از وقوع جرم را داشت. در میان آموزه‌های سیاست جنایی اسلام، برخی آموزه‌ها، مانند بسیج امکانات آموزشی و توانمند کردن نظام آموزش و پرورش، آموزش و تربیت صحیح فرزندان و ... تنها مراحل پیش از وقوع جرم را پوشش می‌دهد.

برخی از آموزه‌های سیاست جنایی اسلام، مانند؛ تعقیب، محاکمه و مجازات مجرمین، تنها مرحله پس از وقوع جرم را شامل می‌شود و برخی دیگر، مانند دفاع مشروع، تنها خاص زمان وقوع جرم است. اما امر به معروف و نهی از منکر آموزه‌ای است که به یک مرحله خاص، اختصاص ندارد؛ بلکه سه مرحله یاد شده را پوشش می‌دهد. بنابراین اگر نشانه‌ای روشن بر وقوع جرم در آینده نزدیک وجود داشته باشد، باید مداخله کرد. البته نوع و مصداق امر به معروف و نهی از منکر، در هر یک از این مراحل متفاوت است. ضمن اینکه اجرای امر به معروف و نهی از منکر اختصاص به قشر خاصی ندارد. با نگاهی اجمالی به آموزه‌های سیاست جنایی اسلام می‌توان دریافت که مراجع اجرایی آموزه‌های سیاست جنایی اسلام برحسب نوع آموزه‌ها متفاوت است. متولی برخی از آموزه‌ها تنها حکومت (قوه مقننه، قضائیه یا مجریه) است و برخی دیگر تنها برعهده فرد یا گروه‌های خاصی از اجتماع است. امر به معروف و نهی از منکر، از این قاعده مستثنی است و برعهده تمام افراد اجتماع قرار گرفته است. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای عام و همگانی است که محصول آن نظارت دائمی، فراگیر، همه‌جانبه و همیشه قابل اجراست که

## منابع

- قرآن کریم.  
- نهج البلاغه.  
- پیتزال، برگه. (بی تا). دعوتی به جامعه شناسی، ترجمه شهره مهدوی، تهران: انتشارات روشن فکر، ج ۱.  
- تام، سولیوان و دیگران. (۱۳۸۴). مفاهیم کلیدی ارتباطات، ترجمه امیرحسین میش زاده، تهران: فصل نو.  
- روشه، کی. (۱۳۶۷). کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.  
- ریتیز، جرج. (۱۳۷۴). نظریه جرم شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.  
- استاد اقامه نماز. (۱۳۸۱). نیایش کتاب پژوهشی مطالعاتی نماز، تهران: انتشارات استاد اقامه نماز.  
- سلیمی، علی و محمد داور. (۱۳۸۱). جامعه شناسی کجروی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.  
- صدوق، محمدبن علی. (۱۴۰۴). من لایحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین.  
- طالبان، محمدرضا. (۱۳۷۶). مطالعه تطبیقی در خصوص امر به معروف و نهی از منکر
- و نظارت اجتماعی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.  
- طوسی، محمدابن حسن. (۱۴۱۴). الامالی. بی جا. مؤسسه البعثه و دارالثقافه.  
- عبدالفتاح، عزت. (۱۳۷۸). «بزه شناسی و بزه دیده شناس» نامه مفید، ش ۱۸.  
- عوده، عبدالقادر. (بی تا). التشریح الجنایی الاسلامی، بیروت، دارالکتب العربی، ج ۱.  
- غلامی، یوسف. (۱۳۸۵). اخلاق و رفتارهای جنسی، قم: معارف.  
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۴). کافی، بی جا، دارالتعارف و دارالصعب، ج ۲.  
- لیثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ، تحقیق حسین حسنی بیرجندی، قم: دارالحدیث.  
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحار الانوار، بی جا، مؤسسه الوفاء، ج ۷۵.  
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۱). میزان الحکمه، قم: دارالحدیث.  
- نجفی، محمدحسن بن باقر. (۱۴۰۰). جواهر الکلام، تحقیق محمود قوچانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۲.  
- نوری، حسین. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه آل البیت، ج ۸.  
- Modestin, J. Hug. A. Ammann. R. (1997). Criminal Behavior in Male with Effective Disorder. Journal of Affective Disorders.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی